

تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۸ / ۰۵
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم			
عنوان ۲	تفسیر سورة «حمد»			
عنوان ۳	تفسیر آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» ➤ مراد از «اهتداء» ➤ تفسیر ➤ اهل بیت علیهم السلام، مصداق «نعمت الهی» ➤ اتحاد شخص و شخصیت اهل بیت علیهم السلام			

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

در این جلسه، آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» از دو منظر مورد بررسی قرار می گیرد: «معنای هدایت» و «چیستی صراط مستقیم».

❖ ۱. مفهوم هدایت: استدلال می شود که مقصود از «اهْدِنَا» (ما را هدایت کن)، صرفاً «نشان دادن راه» (هدایت ارشادی) نیست؛ بلکه «رساندن به مقصد» (هدایت ایصالی) است. قرینه این امر، آیه پیشین، «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، است که نشان می دهد پرستشگر، راه را یافته و اکنون از خداوند طلب دستگیری برای پیمودن مسیر و رسیدن به مقصود را دارد.

❖ ۲. چیستی صراط مستقیم: بر اساس روایات و دیگر آیات قرآن، «صراط مستقیم» فراتر از مفاهیمی کلی مانند: اسلام یا قرآن، به وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام تفسیر می شود. این تفسیر با آیاتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و حتی ذات اقدس الهی را با تعبیر «عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» توصیف می کنند، تأیید می گردد. این تعبیر، بیانگر نوعی اتحاد و تطابق کامل میان این ذوات مقدسه و خود راه است.

همچنین، «صراط مستقیم» به «راه کسانی که به آنان نعمت داده ای» («صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ») توصیف شده است. این امر نشان می دهد که خداوند، اشخاص و انسان های کامل را به عنوان نشانه و تجسم این راه قرار داده است. نتیجه گیری نهایی آن است که شخص و شخصیت الهی این بزرگواران از یکدیگر جدا نیست و آنان در وجود خویش، تجلی بخش و خود «صراط مستقیم» هستند. بنابراین، هدایت به این صراط، در حقیقت تمسک به این انوار مقدسه و پیمودن گام به گام مسیر ایشان برای رسیدن به قرب الهی است.

تحلیل آیه کریمه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

در آیه شریفه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، هم درباره «اهْدِنَا» و هم درباره «الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بحث است. پیرامون «اهْدِنَا» که طلب هدایت است، این پرسش مطرح می شود که آیا مقصود از آن، «ارائة الطريق» است یا «ایصال إلى المطلوب».

به بیان دیگر، هدایت دو گونه است:

- ۱. هدایت به معنای نشان دادن راه یا نمایاندن مقصود و مطلوب.
- ۲. هدایت به معنای دستگیری و رساندن به مقصد؛ نه آنکه تنها راه را بنمایانند؛ بلکه دستگیری کرده و گام به گام، فرد را به مطلوب برسانند.

مراد از «اهتداء»

به نظر می رسد در اینجا از «اهْدِنَا»، «ایصال إلى المطلوب» قصد شده باشد؛ زیرا آیات پیش از «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، خود نشان دهنده آن است که هدایت ارشادی حاصل آمده است: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»؛ پس می دانیم که مقصد ما خدای متعال است، او را عبادت و پرستش می کنیم و از او یاری می جوییم. «ارائة الطريق» شده است و اکنون «صراط» را درخواست می کنیم.

بنابراین، قرینه نخست، خود «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» است که بر حاصل شدن «ارائة الطريق» دلالت می کند. قرینه دوم، خود «صراط» است که به طُرُق موصل گفته می شود؛ یعنی راهی که انسان را به مقصود می رساند؛ فارغ از اینکه مقصد، صحیح باشد یا غلط. این معنا با مفهوم «پل» سازگارتر است، نه «مطلق الطريق»؛ از این رو، باید از «اهْدِنَا»، ایصال اراده شده باشد و از خداوند می خواهیم که ما را به هدایت ایصالی رهنمون شود که از راه صراط مستقیم، حاصل می گردد. پس تناسب حکم و موضوع، اقتضا می کند که مراد از هدایت در اینجا، هدایت ایصالی باشد.

تفسیر «الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

مفسران درباره مراد از «صراط مستقیم» دیدگاه های گوناگونی دارند:

- صراط مستقیم، اسلام است؛
 - دین است؛
 - قرآن است؛
 - محمد و آل محمد صلوات الله تعالی علیهم اجمعین هستند.
- در روایات ما، تفسیر اخیر بیشتر ذکر شده است. در آیات کریمه قرآن نیز قرائن متعددی وجود دارد که نشان می دهد صراط مستقیم در اینجا به شکلی با وجود مقدس رسول اکرم و آل رسول صلوات الله علیهم مرتبط است؛ زیرا:
- نخست آنکه در قرآن، مکرراً وجود مقدس رسول اکرم صلوات الله علیهم با وصف «علی صراط مستقیم» توصیف شده است:
- «يَسْ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛
- از سوی دیگر، در جای دیگر نیز فرموده است:

«... هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۱؛

که مراد از «يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» رسول اکرم صلی الله علیه و آله است؛ چراکه در جایی دیگر می فرماید:

«... وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ...»^۲؛

که نتیجه اش همان امر به عدل است. این آیه هم به وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله تفسیر شده و شامل ائمه هدی علیهم السلام نیز می شود.

در جای دیگر هم خود ذات اقدس حق متعال به «صراط مستقیم» توصیف گردیده است:

«... إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۳؛

تعبیر «عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» نوعی از اتحاد را می رساند؛ چون «علی صراط» با «فی صراط» تفاوت دارد و «علی الصراط» به معنای تطابق با صراط است و «رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» هم به مطابقت پروردگار با صراط مستقیم، اشاره می کند؛ یعنی هرچه صراط مستقیم است، خدای من نیز همانجاست. «رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» و وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیز «علی صراط» است و این نشان می دهد که میان ذات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و صراط مستقیم، تطابقی وجود دارد.

در آیات دیگری نیز فرموده است:

«وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ نَبِئَةً * وَإِذَا لَا تَنَاهَهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا * وَلَهْدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا * وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۴؛

عبارت: «وَلَهْدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» نیز نشان می دهد که مراد از هدایت، هدایت ایصالی است؛ چراکه می فرماید: «وَإِذَا لَا تَنَاهَهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا»؛ پس به راه، هدایت ارشادی و «ارائة الطريقی» شده اند و اگر این کارها را انجام داده و به جهاد در راه خدا اقدام کرده اند، نتیجه اش این است که آنان را در صراط مستقیم به مقصد می رسانیم؛ دستشان را می گیریم و رهایشان نمی کنیم.

پرسشگر: این آیه، «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» را هم تفسیر می کند.

استاد: این آیات با همین آیات سوره حمد، یکدیگر را تفسیر می کنند. آیه «وَلَهْدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» که قبل از «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...» آمده است، باز هم این نکته را تقویت می کند که صراط مستقیم با «الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» ارتباط دارد که در سوره حمد می خوانیم: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ». یعنی این آیه را تفسیر می کند و چنین صراطی نمی تواند فقط راهی باشد که امکان دارد موصول باشد یا نباشد؛ بلکه راهی موصول است.

بنابراین، هم هدایت در آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» به معنای هدایت ایصالی است و هم صراط مستقیم که به «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» توصیف می شود. پس خود اینان با این صراط، مطابقت دارند؛ همان طور که در آیاتی نظیر:

۱. سوره نحل: ۷۶.

۲. سوره شوری: ۱۵.

۳. سوره هود: ۵۶.

۴. سوره نساء: ۶۶ - ۶۹.

«إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» و «... هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» ذکر شده و روشن می سازد که «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» همان کسانی هستند که «علی الصراط» هستند و از این رو، این صراط به آنها توصیف می شود.

اهل بیت علیهم السلام، مصداق «نعمت الهی»

نکته ای در اینجا وجود دارد که خداوند برای دلالت بر «صراط»، از معانی و مفاهیم کلیه، استفاده نکرده تا مثلاً بفرماید «الصراط المستقیم هو العدل» یا «هو الرشاد»؛ بلکه فرموده صراط، این دسته از افراد و اشخاص است. خداوند، شخص را علامت بر این صراط، نهاده است. پس مطابقت مورد نظر ما را تأیید می کند و نشان می دهد که اینها کسانی هستند که با صراط، مطابقت دارند؛ نه صراط از آنها کمتر یا بیشتر است و نه آنها نسبت به صراط، کمی و بیشی دارند. نه آنان گامی برتر یا فراتر از صراط برمی دارند و نه صراط، جایی است که از قدم آنان فراتر باشد.

آنچه گفتیم، نشانگر آن است که خدای متعال هدایتش را برای بشر، کامل گردانیده؛ یعنی هم راه را نشان داده و هم او را به هدایتی که به مقصد می رساند، رهنمون گشته؛ چون علامت های مشخصه عملی برای این هدایت، بیان کرده و آن، همان کسانی هستند که «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ». در ادامه خواهیم گفت که مراد از «نعمت» چیست. دو مقوله در قرآن کریم داریم که نزدیک به هم هستند؛ یکی «رحمت» و دیگری «نعمت». هم خدا از رسولانش به «رحمت» تعبیر کرده و فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۱ و هم کلمه «نعمت» بر ائمه هدی علیهم السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز منطبق است و این ذوات مقدسه، هم در روایات و هم در قرآن کریم، مصداق «نعمت» نیز به شمار می روند. پس آنچه در اینجا ذکر شده، «نعمت» است و باید بررسی کنیم که چه ارتباطی به هدایت ایصالی و سلوکی دارد.

پس در اینجا روشن شد که خدای متعال با صراط مستقیم، تطابق دارد؛ یعنی صراط مستقیم، آن است که امر، خواسته، مقصود و مطلوب خدای متعال در آنجا قرار دارد و هرچه مقصود و مطلوب خداست، صراط مستقیم است نه چیزی فراتر از آن.

پرسشگر: ...

استاد: «... صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ»^۲ به این معناست که این صراط به من می رساند و موصول الی الله است. این آیه، مقصد و نهایت این صراط را نشان می دهد که خود خدای متعال است؛ چون در آیات کریمه قرآن، فراوان داریم که مرجع و مقصود را خدا معرفی می کند و گفتیم که «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» هم به شکلی، همین معنا را می رساند.

اتحاد شخص و شخصیت اهل بیت علیهم السلام

پرسشگر: ...

استاد: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» روشن می سازد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و آل ایشان، خودشان صراط هستند؛ چون در روایت هم در تفسیر این آیه می خوانیم که مراد از «صراط»، علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ زیرا ائمه هدی علیهم السلام یک «شخص» دارند و یک «شخصیت». رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز همین گونه، یک «شخص» دارد و یک «شخصیت». از قرآن کریم، استفاده می کنیم

۱. سوره انبیاء: ۱۰۷.

۲. سوره حجر: ۴۱.

که شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در شخصیتشان فانی است؛ «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ...»^۱؛ یعنی شخص مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله عین شخصیت ایشان است و بنابراین، هرچه انجام می دهد، فعل رسالتی است و شخص ایشان از رسالتشان جدا نمی گردد. متأسفانه از مذاهب غیرمذهب اهل بیت علیهم السلام به ما منتقل شده که مثلاً رسول خدا صلی الله علیه و آله بشر بوده و افعالش بشری است؛ درحالی که فعل بشری غیررسالتی از آن حضرت نداریم و هرچه کرده، از سوی خداست؛ همه اش رسالتی است؛ اگر خندید، اگر گریست، اگر ایستاد، اگر نشست، اگر رفت، اگر آمد، اگر خورد و هرچه کرد، همه به دستور خداست؛ لذا «اسوة حسنة» است و همه چیزش قابل اقتدا و رسالتی است؛ چون شخص ایشان با شخصیتشان یکی است. شخص امیرالمؤمنین علیه السلام با شخصیت امامتیش یکی است؛ شخص سیدالشهداء علیه السلام، شخص امام مجتبی علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام نیز همین گونه اند؛ حتی حضرت صدیقه کبری علیه السلام هم از این نظر، واجب الاتباع است و این وجود مقدس فاطمی نیز مصداق صراط مستقیم است.

پرسشگر: قرآن می فرماید که من مانند شما بشرم با این تفاوت که به من وحی می شود.^۲

استاد: بله، بشرند؛ خدا نیستند و فرشته هم نیستند، بشرند؛ اما بشری که کارش همیشه بر وفق وحی الهی است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

مؤسسه حفظ و نشر آثار آیت الله اراکی

۱. سوره آل عمران: ۱۴۴.

۲. «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ...»؛ [سوره کهف: ۱۱۰؛ سوره فصلت: ۶].